

بررسی مجازات حبس بر افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی

محمد یکرنگی *

استادیار گروه جزا و جرم شناسی ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

طیبه فردوسی

استادیار گروه علوم تربیتی ، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ، دانشگاه تهران

هادی مقیسه

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پردیس تهران

چکیده

یکی از شاخصهای توسعه یافتگی کشورها، پایین بودن آمار جمعیت کیفری آنها می باشد، زیرا قوانین و مقررات و مجازات صحیح می تواند آمار ارتکاب به جرم را کاهش دهد ، قوانین و مقررات برای افراد عادی می تواند بازدارنده باشد و اهداف مجازات را برآورده سازد، اما برای افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی به دلیل قانون ستیزی و جامعه سبزه‌بودنشان نمی تواند بازدارنده باشد. بسیاری از مطالعات به رفتار بزهکارانه و جامعه ستیزانه افراد دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعي اشاره کرده اند؛ آمارها و تحقیقات نشان دهنده آمار بالایی از ارتکاب جرایم این افراد است ، حبس یکی از مجازاتهایی است که برای ارتکاب جرایم قانونگذار برای مجرمین از جمله مجرمین دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی اعمال می کند، افراد دارای شخصیت ضداجتماعی از قانون سرپیچی کرده و از مجازاتها درس عبرت نمی گیرند، احساس پشیمانی و عذاب وجدان و احساس گناه ندارند. این پژوهش به بررسی تاثیر مجازات حبس بر افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی می پردازد.

واژگان کلیدی: مجازات، حبس، اختلال شخصیت ضداجتماعی

مقدمه

در کلیه کشورهای جهان برای رفتارهای مجرمانه مجازات در نظر می گیرند، مجازاتها اصولاً اهداف سزادهی، بازپروری، ناتوان سازی و بازدارندگی را دنبال می کنند. کاهش جمعیت کیفری نشانگر بهبود استانداردهای جهانی در این زمینه است و بالا بودن جمعیت کیفری نشان دهنده ناکارآمد بودن قوانین و همچنین بازدارنده نبودن مجازاتها به شمار می رود. همچنین مجازاتها به دولتها هزینه های گزافی را تحمیل می کنند. کیفر شناسان و روانشناسان علاقه زیادی به شناخت شخصیت مجرمین دارند و تحقیقات حاکی از ارتباط اختلالات شخصیت با انواع جرایم است (هیر، ۱۹۷۰). از میان اختلالات شخصیت، اختلال شخصیت ضداجتماعی بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته، که احتمالاً علت آن می تواند این نکته باشد که رفتارهای ضداجتماعی، یک الگوی تکرار شونده و مداوم از رفتارهای مجرمانه، ضداجتماعی یا جنایی است که در کودکی یا اوایل نوجوانی شروع می شود و تمام جنبه های زندگی فرد را در بر می گیرد (کلونینجر، ۲۰۰۵). اختلال شخصیت ضد اجتماعی معمولاً با ارتکاب مکرر اعمال غیرقانونی، کم توجهی به رفاه دیگران و سطوح بالای پرخاشگری، تکانشگری و فریبکاری همراه است (مولای و ساین، ۲۰۲۰). احتمال ارتکاب به قتل، وقتی که فرد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی است، در مردان ۱۰ برابر و در زنان ۵۰ برابر افزایش می یابد (هیر، ۱۹۷۰). میزان شیوع شخصیت ضداجتماعی ۰/۳-۲/۳ درصد است (نوردهال و نیاستر، ۲۰۰۵). این اختلال در مردان شایع تر از زنان است همانطور که گفته شد رفتار افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی خارج از استانداردهای اجتماعی رفتار، اخلاق و وجدان است و با رفتار جنایی در بزرگسالی ارتباط مستقیم دارد. پژوهشها نشان می دهند که در آمریکا ۴۷ درصد زندانیان مرد و ۲۱ درصد از زندانیان زن معیارهای اختلال شخصیت ضداجتماعی را دارند و این نسبت چندین برابر نرخ شیوع در مردم جامعه است (گنجی). یک توضیح محتمل برای میزان شیوع بالای اختلال شخصیت ضد اجتماعی در مراکز پزشکی قانونی و به ویژه زندانها این است که معیارهای تشخیصی برای اختلال شخصیت ضد اجتماعی شامل رفتارهایی است که اغلب با جنایت همراه است (اوگلاف، ۲۰۰۶). برخلاف سایر اختلالات روانی، تشخیص اختلال شخصیت ضد اجتماعی

به طور کلی به عنوان راهی برای تشخیص سطح پریشانی فرد اختصاص داده نمی شود. در عوض، اغلب به افرادی اختصاص داده میشود که به طور غیرارادی خدمات سلامت روان را در محیط های پزشکی قانونی دریافت می کنند (پیکرسیگل، ۲۰۱۲). با اینکه بین اختلالات شخصیت ضد اجتماعی و رفتارهای بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد، اما مسئولیت جزایی این افراد مورد تردید نیست زیرا اگرچه تعارضات روانی آنها باعث می شود راحت تر مرتکب جرم شوند، ولی این تعارضات به حدی نیست که فرد با دنیای خارج قطع ارتباط کند و فاقد قدرت اراده و تمییز باشد.

همانطور که ذکر شد افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی درصد بالایی از زندانیان را در آمارها به خود اختصاص می دهند. نتایج مطالعه ابراهیم زاده (۱۳۸۷) که به بررسی اختلال شخصیت ضداجتماعی در ۱۰۰ نفر زندانی متهم به قتل و سرقت مقیم زندان تبریز پرداخت، نشان داد که ۴۲ درصد از صد نفر زندانی تحت مطالعه به اختلال شخصیت ضداجتماعی مبتلا بوده اند و همچنین ۲۰ درصد از این افراد سابقه ی بیماری روانی و ۱۰ درصد سابقه بستری در بیمارستان روانپزشکی را داشته اند. سادوک و همکاران (۱۳۹۸) بیان می کنند که شیوع اختلال شخصیت ضداجتماعی در بین زندانیان بالای ۷۵٪ می باشد. درصد بالای افراد زندانی دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی گواه بر تأثیر بالای این اختلال در رفتارهای مجرمانه است. مشکل بزرگتر، زمانی ایجاد می شود که پس از آزادی از زندان، این افراد همچنان دارای رفتار مجرمانه هستند و احتمال تکرار جرم بالاست؛ بنابراین هزینه هایی که دولت و مجرم در قبال زندانی بودن پرداخت کرده اند، بی نتیجه می مانند (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۶). بر اساس نظریه بازدارندگی یکی از موضوعاتی که متهمین قبل از ارتکاب بزه به آن فکر می کنند فاصله زمانی فی مابین ارتکاب بزه، دستگیری و اعمال مجازات می باشد اعمال مجازات حبس باید با وقوع جرم چندان فاصله زمانی ای نداشته باشد، چرا که در غیر این صورت تصور الزم میان جرم و کیفر به سستی خواهد گرایید زیرا هرچه زمان میان ارتکاب عمل مجرمانه و مجازات کوتاه تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان پایدارتر و قوی تر خواهد بود به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به شمار می آورد. بنابراین سرعت در انجام محاکمات در کنار عظوفت و مهربانی با مجرمان نه خشونت وسخت دلی نسبت به آنان و غایت عدالت با متهمان از جمله

راهکارهای منتهی به بازدارندگی کیفرها محسوب می‌شود. هنگامی که ابزار مجازات حبس در طول زمان به تاخیر افتد باید این موضوع را در نظر داشت که تهدید مجازات حبس ممکن است عملاً تأثیری بر تصمیم‌گیری بزهکاران بالقوه مخصوصاً افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی و در تکرار جرم برای محکومین جرائم به علت عدم بازدارندگی خاص مجازات سابق به جهت عادی انگاری آن به دلیل بازه زمانی طولانی فی مابین ارتکاب بزه تا مجازات نداشته باشد، زیرا زمانی که شخص بزهکار دستگیر می‌گردد ترس از مجازات و برآورد میزان مجازات در انتظار متهم، وی را آزار می‌دهد اما اگر بازه زمانی به درازا کشد موضوع کم کم برای بزهکار عادی و بازدارندگی آن برای جرائم آینده متهم کمتر می‌گردد (چگینی، مربی، ۱۴۰۲).

از سویی افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی در زندانها دار و دسته (باند) تشکیل می‌دهند و در خود زندان هم دست به ارتکاب جرایم می‌زنند که به یکی از این جرایم به همکشی سایه ایی می‌توان اشاره نمود که به این معناست که یک فرد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی با یک فرد دیگری که ایشان هم مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی است درگیر می‌شود و ممکن است در این درگیری یکی از آنها به قتل برسد و فرد قاتل به مجازات حبس ابد و یا اعدام متهم گردد. در زندانها این افراد از مجرمین دیگر چگونگی ارتکاب به انواع جرایم دیگر را فرا می‌گیرند و بعد از آزادی جرایم دیگری را هم مرتکب می‌شوند، در کل مجازات حبس اگر در فاصله سریعی بین وقوع جرم و مجازات صورت نگیرد، نمی‌تواند ارباب یا نقش بازدارندگی از ارتکاب جرایم را برای افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی داشته باشد و همچنین در حبس اصلاح و بازپروری برای آنان صورت نمی‌گیرد و متأسفانه ارتکاب به جرایم دیگر را هم از زندانیان دیگر فرا می‌گیرند حتی دست به ارتکاب جرایم در زندان می‌زنند و امنیت زندان را نیز به خطر می‌اندازند.

روش تحقیق

به طور کلی عمده تحقیقات حقوقی مبتنی بر روش تحقیق توصیفی – تحلیلی هستند و پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت تحقیق و نظری بودن آن از این قاعده مستثنی نیست. منابع این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای اعم از داخلی و خارجی و قوانین و

مقررات، آراء قضایی، پایان نامه ها، مقالات و تحقیقات علمی مرتبط با موضوع و همچنین با بهره گیری از منابع الکترونیکی مرتبط با تاکید بر اصولی از جمله دست اول بودن، اعتبار، صحت و اصالت منابع و در نهایت با گزینش و بهره گیری از مناسبترین آن ها بود.

بحث و نتیجه گیری

زمانی که مجرمان مصرانه دست به ارتکاب جرم می زنند، تاثیرات زیانباری بر قربانیان، اجتماعات، و خانواده هایشان و خودشان داشته و در حقیقت اثرات اقدام ایشان فراتر از آن است که قابل اندازه گیری باشد. ارتکاب مجدد جرم هزینه های بسیاری دارد زیرا نه تنها شامل هزینه های مرتبط با جرم مجرم می باشد بلکه شامل هزینه های شکست مجازات مجرم نیز می شود (چگنی، مربی، ۱۴۰۲). اگر با عوامل ایجاد کننده یک جرم به طور جدی مبارزه نشود هر چند که مجازات ارتکاب آن تشدید شود و سنگینی کیفرش افزایش یابد، نه تنها تأثیری در کاهش آن نخواهد داشت بلکه نتایجی را که به بار خواهد آورد بسیار ناگوار خواهد بود. بنابراین بهترین راه به کار بردن تدابیر لازم و علمی و عملی است؛ یعنی تحقق بخشیدن به اهداف انسانی ارائه طریق در نحوه رفتارها و گفتار و عملی کردن روشهای مبارزه صحیح و دقیق و مدبرانه علیه عوامل ایجاد کننده جرم، بازسازی تبهکاران که از نظر داوری های سطحی ممکن است غیر قابل اصلاح به شمار آیند و بالاخره مجهز شدن به همه وسایل ضروری برای پیشگیری و پیش درمانی است که میتواند جرم را در جامعه ای نابود سازد یا رقم آن را به حداقل ممکن کاهش دهد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴) با توجه به تلاش دولتها و قوانین و مجازاتها برای پیشگیری از ارتکاب جرم، برخی از افراد مانند افراد دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی به دلیل تکانشگری و قانون ستیزی که دارند و از تجربه ها سخت عبرت می گیرند و اضطرابشان کم است، دست به ارتکاب جرم می زنند و از مجازاتها هراسی ندارند و عبرت نمی گیرند. همانطور که ذکر شد، یکی از مجازاتها برای جرایم کلیه افراد از جمله افراد دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی، حبس است. حبس برای افراد دارای شخصیت ضد اجتماعی بازدارندگی زیادی ندارد و این افراد با نداشتن حضور خود، نگران اطرافیان خود مانند همسر یا فرزندان و آبروی خود و آنها نیستند، زیرا این افراد کلاً مسئولیت پذیر نیستند. افراد دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی همانطور که گفته شد در زندان دست به ارتکاب جرایم دیگر می زنند و امنیت زندان را به خطر می اندازند، زندان برای این افراد نقش مفیدی در اصلاح و بازپروری ندارد

و از مجرمان دیگر حتی ارتکاب به جرمهای دیگر را هم یاد می گیرند، بنابراین اصلاح و باز پروری افراد دارای شخصیت ضداجتماعی در مجازات زندان صورت نمی گیرد و در مدتی که در زندان هستند بارها دست به نزاع و درگیری در زندان می زنند و حتی دست به قتل زندانیان دیگر می زنند بنابراین اگر این مجازات باید اجرا شود بهتر است که از حبس انفرادی استفاده شود تا این افراد ارتکاب جرایم دیگر را از زندانی های دیگر فرانگیرند و همچنین امنیت زندان را کمتر به خطر بیندازند.

همانطور که بیان شد افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی بعد از آزادی خود به سرعت به سراغ ارتکاب مجدد جرم و یا انواع جرایم دیگر می روند و سابقه داران حرفه ای می شوند، روانشناسان عقیده دارند که افراد دارای اختلالات شخصیت به دلیل اینکه بر اختلال خود بینش ندارند و مشکلشان را انکار می کنند، درمان ناپذیر هستند؛ اما درمان تا حدی می تواند مشکلات و مصائب آنها را حل کند، که بتوانند رفتار تکانشی خود را کنترل کنند و موقعیتهایی که پرخاشگری یا دست به بزهکاری می زنند را شناسایی کنند و از آنها دوری کنند. به دلیل اینکه مجازات حبس نمی تواند بازدارنده مفیدی برای افراد دارای شخصیت ضداجتماعی باشد جایگزین نمودن مجازات حبس برای این افراد مفید به نظر میرسد. درمجموع اجرای مجازاتهای جایگزین حبس، باعث کاهش کیفری جمعیت زندانها و صرفه جویی در هزینه های دولت و مجرمان و خانواده هایشان می شود و نتایج مفید اجتماعی و فرهنگی می تواند داشته باشد و اصلاح و بازپروری که یکی از اهداف اصلی اعمال مجازات است و پیامدهای نامطلوب زندان را کاهش می دهد و از سویی به دلیل اینکه جامعه نیز در اجرای مجازاتهای جایگزین حبس مشارکت می کنند و شاهد اجرای مجازات هستند اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری بیشتر می شود (یکرنگی، ایرانمنش، ۱۳۸۷).

با توجه به ماهیت اختلال شخصیت ضداجتماعی اگر مجازات حبس در نظر گرفته می شود برای اینکه این مجازات برای آنها بازدارنده باشد باید سرعت در محاکمات سریعتر باشد، زیرا هرچه زمان میان ارتکاب عمل مجرمانه و مجازات کوتاه تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان پایدارتر و قوی تر خواهد بود و از سویی مجازات حبس نباید تنها مجازات در نظر گرفته شده برای این افراد باشد و باید حتما در کنار این مجازات، مجازاتهای دیگری مانند محرومیت از حقوق اجتماعی و را در نظر گرفت.

منابع

ابراهیم زاده، ز. (۱۳۸۷). بررسی اختلال شخصیت ضد اجتماعی بر اساس ۱۰۰ زندانی متهم به قتل و سرقت از زندان. اصلاح و تربیت. (۷۴): ۵۳-۵.

چگنی، وحید مربی، پیمان. (۱۴۰۲). تأثیر قطعیت اجرای مجازات حبس در بازدارندگی از تکرار جرم در جرائم مواد مخدر و روان گردان در استان البرز در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹. حقوق و مطالعات نوین، ۱۱(۴)، ۴۹-۶۹.

رضائی‌راد، عبدالحسین، سلیمانی، بتول، مریدی، ولی. (۱۳۹۴). کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام. مطالعات پیشگیری از جرم. بهار. ۳۴(۱۱). ۱۴۴-۱۲۳، ص. ۱۴۶.

سادوک، بنجامین جیمز، سادوک، ویرجینا آلکوت. روئیز، پدرو. (۱۳۹۸). خلاصه روان پزشکی: علوم رفتاری / روانپزشکی بالینی. مترجم، رضایی، فرزین. چاپ پنجم. انتشارات: ارجمند. ص. ۴۸۰.

علیمردانی آرمین، رایجیان اصلی مهرداد، واحدی مصطفی، خانی میر حامد. (۱۳۹۶). نقش اختلال‌های روانی منجر به رفتار مجرمانه بر درجات مسئولیت جنایی. مجله علمی پژوهشی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران. ۳۵(۱): ۷۸-۶۸.

گنجی، مهدی، آسیب شنلسی روانی بر اساس DSM-5. جلد دوم. تهران: ساوالان، ۱۳۹۶.

یکرنگی، محمد، ایرانمنش، مهدی. (۱۳۸۷). کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل. مجله حقوقی دادگستری. ۶۴، ص. ۹۷-۹۶.

Cloninger, C.R. (2005). Antisocial personality disorder: A review. In: Maj, M, Akiskal HS, Mezzich JE, Okasha A.

(Eds.), Personality disorders (WPA Series). Hoboken, NJ, Wiley Press; 8, 125-170.

Hare, R. D. (1970). A research scale for the assessment of psychopathy in criminal populations. Personality and Individual differences

Mulay, A. L., & Cain, N. M. (2020). Antisocial personality disorder. Encyclopedia of Personality and Individual Differences, 206-215

Nordahl, H. M., & Nysæter, T. E. (2005). Schema therapy for patients with borderline personality disorder: a single case series. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry, 36(3), 254-264

Ogloff, J. R. (2006). Psychopathy/antisocial personality disorder conundrum. Australian & New Zealand Journal of Psychiatry, 40(6-7), 519-528

Pickersgill, M. (2012). Standardising antisocial personality disorder: the social shaping of a psychiatric technology.¹ Sociology of Health & Illness, 34(4), 544-559

Examining prison sentences for people with antisocial personality disorder

Mohammad Yekrangi *

Assistant Professor, Department of Criminal Justice and Criminology, School of Law and Political Sciences, University of Tehran

Tayyabeh Ferdowsi

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran

Hadi Moghiseh

Master's student of Tehran University: criminal law and criminology

Abstract

One of the indicators of the development of countries is the low number of their criminal population, because laws and regulations and correct punishment can reduce the number of crimes committed, laws and regulations can be a deterrent for normal people, but for people with antisocial personality disorder because Their anti-law and Sitz society cannot be a deterrent. Many studies have pointed to the delinquent and antisocial behavior of people with antisocial personality disorder; Statistics and research show a high number of crimes committed by these people. Imprisonment is one of the punishments that the legislature applies to criminals, including criminals with antisocial personality disorder, for committing crimes. People with antisocial personality disobey the law and learn from the punishments. They don't learn a lesson, they don't feel remorse and guilt. This research examines the impact of imprisonment on people with antisocial personality disorder.

Keywords: Punishment, imprisonment, antisocial personality disorder.